

امروزه جهان درگیر مسئله‌ای است فراگیر، مسئله‌ای به اسم کرونا. مسئله‌ای که به گفته رسانه‌ها در تمامی کشورها کامیابش وجود دارد. جنگ همیشگی بین حق و باطل اینجا هم خودنمایی می‌کند. از همان اول که کرونا تاتی تاتی می‌کرد گفتند سخاوت آمریکاست برای شکست دادن چین، دست و پا درآورد و مانند فرزندی چموش و بازگوش سسر از ایران درآورد، گفتند امریکا هدفش بزرگ‌تر هم بود، نه فقط چین ایران را هم می‌خواست و انتقام چشم‌های باباقوری شیرهایش در عین‌الاسد را بگیرد.

گذشت، طفل چموش حالا شوق دویسن دارد، دودید و دودید، پس از کوه‌های آلب رسید به سرزمین‌های شمالی، قصبه‌های جزیره شروع شد و حالا «آه» تکرار غریبانه روزهایش را در برابر کرونای

تعطیل‌تر شد.

بعین این همه مشکلات و دغدغه‌ها بالاخره جنگ رسانه‌ها هم شروع شد. می‌گفتند ایران آمار واقعی را پنهان می‌کند، ایران کل بهشت معصومه را به کرونایی‌ها اختصاص داده است، ایران اندازه ده تا فیلب آفریقایی گور دسته‌جمعی کنده است، می‌گفتند و می‌گفتند و می‌گفتند… اما رسیدن آن روزی که جنازه‌های مردمان بیچاره میلان؛ که تمام دلخوشیشان تماشای داماده‌دولتینا (شهرآورد میلان) کنار خانواده کوچک دوست داشتیشان بود، از روی هجده چرخ‌های عظیم‌الجثه در گودال‌های گور دسته جمعی دفن می‌شد. دربی منچستر این هفته در اتحاد یا اولدترافورد نیست، جنگ بین «گوترو» و «هگویسر» این هفته بین سستیزن‌ها و شیاطین سرخ در صف‌های دستمال توالت است. یانکی‌ها در صف خرید فشنگ و

بیچاره طفل معصوم آمریکایی…

پس کن پسر، همه می‌داند اینها همش یک مشت اراجیف است. قهرمان‌های مجازی فقط به درد تجارت می‌خورند. بیچاره طفل معصوم آمریکایی که شب‌ها با عروسک بنتمن می‌خوابید و قهرمانش چوب بیسبالش بود که «دارلین» به او هدیه داده بود، حالا باید گوشه‌های بنشیند و ناگهش را به وضعیت اسفناک کشورش ببینداز. اگر او لدترافورد نیست، جنگ بین «گوترو» هم از نداشتن بسیچی در کشورش بخورد. دور از فوتبال و الکلاسیکو و بیسبال و… به دور از عقل است که شیوع فاجعه

چه شد «اسپایدرمن»، «سوپرمن» و «هالک»؟ اسب تکشاخ رویاهای کودکانه یسس کی به داد این مردم می‌رسد؟ مرام و معرفت فقط در «هایت» دیده شده، یا نه در واقعیت هم هست؟

لنگ دراز می‌گذارند. لیگ جزیره تعطیل، بازیکنان بنشینند و اسارت بازیکن جدید جهان را ببینند، کرونا می‌دود و می‌دود و می‌دود و بزوازه لیگ‌های مختلف را دانه دانه می‌شکافد. دیگر صحبت از توطئه تقریباً تمام شده بود، همه می‌انستند این نوجوان فروروده آمده، «اگر نمی‌دانیم، باید جلوی گل زدنهایش را بگیریم، جهان در فکر فرو رفته بود. همه مات و مبهوت و آنچه از گلی که کرونا به آن پسر زده بود.

برای این آشنای جوان این همه کافی نبود، مثل توپ بیسبال رفت و خورد توی دهن یانکی‌ها، امریکا هم تعطیل بود

شلیک توپخانه فضای مجازی از خاک دشمن

احمدرضا هدایتی

فضای مجازی به‌قدری حائز اهمیت است که نقل شده است، رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکات) در جریان دیدار جمعی از مسئولین ذریط با ایشان، در بیان اهمیت آن فرموده‌اند: «اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم، رئیس فضای مجازی کشور می‌شدم.» این در حالی است که ظاهرأ هنوز برخی از مسئولین ذی‌ربط با این متوجه این مهم نشده‌اند و با مغزخانه و عمامه‌اند تالش دارند تا با تسامح و تساهل از کنار آن عبور کنند. این بی‌توجهی که برخی از صاحب نظران از آن به‌منوان خیانت نام می‌زنند، در حالی صورت می‌گیرد که بررسی آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که پس از ورود شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به خانه‌های مردم ایران در سال ۱۳۷۰ و سه دنبیل آن پس از راه یافتن تعداد پرونده‌های قضایی، تنها بخشی از آثار و پیامدهای ورود مدیریت نشده این میهمانان ناخوانده به جامعه ایرانی است.

در کنار این مشکلات باید به استفاده ابزاری دشمن از این وسایل برای جاسوسی و ایجاد آشوب و اغتشاش و نیز استتال فرهنگ غربی و تغییر سبک زندگی مردم در ابعاد مختلف، شبیه‌آفرینی و ایجاد تردید در مبانی اعتقادی و سیاسی مردم و به‌ویژه جوانان، پیدایش پدیده بین‌گرتزی و ناکارآمد جلوه نظام اطلاعاتی، رسوخ و ناامیدی در ذهن برخی از افراد جامعه، افزایش بیماری‌های روحی و روانی ناشی از اثرات محتوای مجامع شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و فضای مجازی و همچنین افق شدید تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان و کاهش راندمان کاری کارمندان دولت و امثال آن طی این مدت نیز اشاره کرد.

علیرغم همه این معضلات و مشکلات، بدیهی‌ست که کسی منکر ضرورت استفاده

بهینه از این ابزار نیست، اما همان گونه

نسل سوم انقلاب امتحانش را خوب پس داد.

نشان داد که تربیت و تمدن اسلامی و غربی تفاوتشان از زمین است تا آسمان. رزمنده‌های هشت سال دفاع مقدس را یادمان هست، آوینی را بگوید بیاید تا ببینند و اینها را، تا ببینند و باز بصدای مانده‌اند» آری حقا که شهدا مانده‌اند و روحیات تربیت یافته در خانه اسلامی را به جوان‌های لایق نسل‌های بعدی هم سرایت می‌دهند.

اجتماعی Ejtmaee @kayhan.ir

نسل سوم انقلاب امتحانش را خوب پس داد.
نشان داد که تربیت و تمدن اسلامی و غربی تفاوتشان از زمین است تا آسمان.
رزمنده‌های هشت سال دفاع مقدس را یادمان هست، آوینی را بگوید بیاید تا ببینند این‌صحنه‌های رشادت و جوانمردی و ایثار را، تا ببینند و باز بصدای مانده‌اند» آری حقا که شهدا مانده‌اند و روحیات تربیت یافته در خانه اسلامی را به جوان‌های لایق نسل‌های بعدی هم سرایت می‌دهند.

همه‌همین‌طور اما بالطبع حریص‌تر. اما هر خانه روش خودش را دارد، باید دید ویروس منحوس که بالاچار قد کشیده و مهمان خانه‌ها شده حالا در خانه غربی آرام می‌شود یا در خانه اسلامی؟ تفاوت را در تجهیزات نبینیم درتربیت خانه غربی و اسلامی ببینیم.

تفاوت خانه اسلامی با خانه غربی در دست‌های مادری است که با چرخ خیاطی دستی‌اش دارد مانسک تولید می‌کند تا برادران و خواهرهایش احساس کمبود نکنند، همین مادر تربیت شده در خانه اسلامی آموخت که اول همسایه بعد خودت،

کرونای ما

محمدسعید ایاسه

موضوعی که در خانه غربی برایش این‌طور

گفتند که اگر می‌خواهی قوی باشی پس همسایه‌ات را ضعیف کن. در خانه غربی برادر به خواهرش گفت: «اگر لقمه‌ام را به تو بدهم در برابرش چه دریافت خواهم کرد؟» موضوعی که در فیلم‌های فول اچ‌دی رایبوود هم تو ذوق انسانیت می‌زند نه برادر، توهم نزن، دولت‌های آنها بیخیال نیستند، تفاوت را در دولت‌ها و ملت‌ها نبین؛ هر کس دوست دارد، در دولت‌ها بر آن اساس تربیتشان کرده باشند. شیوع یکدفعه‌ای و فاجعه بار کرونا در غرب فقط به‌خاطر نوع تفکر و دیدگاهشان به زندگی است. به‌خاطر تربیت در شیوه غلط تمدنی غرب که برایشان برنامه‌ریزی شده است. غرب بی‌خدا، غرب بی‌اخلاق، برای توسعه سرمایه و اراضی غنسی‌اش همین را می‌خواست، ماشین از جنس انسان؛ مردم حریص هم کور کورانه لبیک گفتند و ندانستند انسانیت هم از آخر را می‌زند. حال از انسان حریص غربی بخواهید بیاید

کرونا را گرفت ؟ فقط بی‌تدبیری عامل فاجعه در غرب است؟ ظاهرأ بیمارستان‌های غرب بهتر از بیمارستان‌های ایرانی هستند، اما چه شد؟ جوانک رشید کرونا در اسپانیا دارد هت‌تریک می‌کند اما چرا در ایران آرام نشده‌ست و سر و صدایی ندارد؟

نه برادر، توهم نزن، دولت‌های آنها بیخیال نیستند، تفاوت را در دولت‌ها و ملت‌ها نبین؛ هر کس دوست دارد، در دولت‌ها بر آن اساس تربیتشان کرده باشند. شیوع یکدفعه‌ای و فاجعه بار کرونا در غرب فقط

به‌خاطر نوع تفکر و دیدگاهشان به زندگی است. به‌خاطر تربیت در شیوه غلط تمدنی غرب که برایشان برنامه‌ریزی شده است. غرب بی‌خدا، غرب بی‌اخلاق، برای توسعه سرمایه و اراضی غنسی‌اش همین را می‌خواست، ماشین از جنس انسان؛ مردم حریص هم کور کورانه لبیک گفتند و ندانستند انسانیت هم از آخر را می‌زند. حال از انسان حریص غربی بخواهید بیاید

قهرمان‌های مجازی فقط به درد تجارت می‌خورند.بیچاره طفل معصوم آمریکایی که شب‌ها با عروسک «بنتمن» می‌خوابید و قهرمائش چوب بیسسبالش بود که «دارلین» به او هدیه داده بود، حالا باید گوشه‌ای بنشیند و ناگهش را با وضعیت اسفناک کشورش ببینداز.اگر صدای ضعیف رسانه‌ها برسد، حسرت تلخی که از نداشتن بسیچی در کشورش بخورد.

از دولت می‌خورد و هزینه ایجاد می‌کند، همین موی سیبید در تمدن اسلام، بین فرزندان‌ش مثل نسی را دارد بین فومش. سندروم داون میدانی چیست؟ تمدن و آیین ما به ما یاد داده که سندروم داون کلید بهشت است، پس خیلی پدرم می‌خورد ؟ نه؟ من به او خدمت می‌کنم و روی چشم تهیه می‌کنم از او بهشت مرا تضمین می‌کند از غرب چه می‌شود ؟ یک تکه اشغال که پای نخسش را به دنیا گذاشته و نگهداری از او فقط هزینه سرسام‌آور برای دولت و حاکمیت دارد.

چه خوب شد کرونا آمده، نه ؟ در نگاه تمدنی غرب ما می‌توانیم سریع کاری کنیم که عقب مانده‌ها و بیرها و انگل‌ها بمیرند تا بهتر رشد کنیم. در نگاه اسلام تازه در چهار باز شده؛ پشتیبان که خدا ما را خیلی دوست دارد بچه‌ها بیاید با موتورهایمان برای بیرمدها و بپرزنها که احترامشان واجب است و بیشتر در معرض کرونا هستند

مولد سرمایه‌داری نتوانست پاسخگوی نیازهای مردم باشد، آنچه می‌ماند ازدواج است و فرزندآوری که جبران این تلخی را می‌کند و آنرا به شیرینی غیر قابل وصفی تبدیل می‌کند، این در دنیا و موقعیتی بالاتر و والاتر و پویاتر و با عظمت‌تر از «مادری» وجود دارد، آیا هیچ زنی می‌تواند وفردیت انسان برگرد. اما وضعیت ما در رابطه با سالمندان چگونه است؟ جهان در طول ۷۰ سال گذشته حدود ۵ سال بیشتر شده است، یعنی میانه سنی از ۲۶/۶ به ۳۱/۳ سال رسیده است، اما در ایران سالمندی است.

کشورهای غربی به دلایل مختلف که مهم‌ترین آنها ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و سالمندی بود، تسلیم‌پذیری بیشتر داشتند. آنها با علم و کاربران علمی بیشتر نتوانستند نقاط ضعف سالمندی را جبران کنند و در مقابل آن درمان‌دهند و گاهی به اقدام‌های غیراخلاقی متوسل شده‌اند، این درحالیست که کشورهای غربی با تکنیک‌های «موثر» «مهاجرپذیری» نتوانست‌اند گروه مولد در سن کار خود را تامین کنند و از نظر اقتصادی پاسخگوی رشد اجتماعی باشند، اما ملاحظه کردیم که همین گروه مولد و کارا نتوانست با هججه بیماری در جمعیت سالمند مقابله کند و درمانده از ارائه خدمات شایسته شد. نگاه مصداقی به این مولفه روشن نشان می‌دهد که حتی با ثروت بالا و توانمندی علمی نتوانستند از عهده پاسخگویی به نیازهای سلامت سالمندان

برایند. سالمندان در بخش سلامت بطور کلی ۵۰۰ برابر میانسالان و جوانان نیازهای سلامتی دارند. نیازهای حیاتی، روانی، اجتماعی، اقتصادی که باید توسط گروه‌های مولد جوان تامین شود. تحقیقات بزرگ چهار دلیل مرگ در جهان عبارتند از: رژیم غذایی نامناسب، فشار خون بالا، استعمال دخانیات و دیابت. هر چهار عامل با بالا رفتن سن بیشتر می‌شوند به طوری که تنها ۲۴ درصد افراد سالمند (بزرگ‌تر از ۶۵ سال) از میوه و ۴۰ درصد از سبزی مناسب استفاده می‌کنند. بیش از ۶۴ درصد همین افراد به فشار خون مبتلا هستند، یعنی از هر ۳۰ نفر سالمند ۱۲ نفر فشار خون دارند و از هر ۱۰ نفر سالمند ۶ نفر دیابت مبتلا می‌شوند. ۸۰ درصد سرطان‌ها را سالمندان مبتلا می‌شوند. هزینه‌های مرتبط با مراقبت از این بیماری و نگهداری سالمندان بالاترین هزینه‌های حوزه سلامت است که باید توسط جوانان تامین شود.

برآیند انسانی که وجود دارد آیا جوانان توانستند در هر زمینه‌ای ضروری بود در حوزه سلامت، در حوزه امنیت و در امور اجتماعی افتخار آفرینند. اما وضعیت چنین نمی‌ماند و ما سالانه در حال پیر شدن هستیم.

ما آمسادا کاری کنیم که این تعریف رفیع و ارزشمند و ماندگار از آن‌ها بگیریم. «مادریودن» نه تنها «خانواده» را بر پا می‌دارد، بلکه «جامعه» را می‌سازد، هیچ جامعه‌ای بدون مسادران نمی‌تواند پارچا بماند. پشتیبانی از مسادری و مادر بقای اجتماعی را به همراه دارد. جامعه‌ای می‌ماند که راه اصلی رشد انسانیست، موثرتری داشته باشد. در تحقیقات بزرگ بین‌المللی هیچ متخصصی اعم از بیولوژیک، صنعتی نتوانستند در مقابل سمت مادری برای رشد دوام یابود. تاریخ تمدن‌های همین واقعیت است. مادران سازندگان و ارتقا دهنده جامعه هستند. جوان ماندن جامعه در گرو وجود مبارک «مداران» است و این یعنی قدرت آفرینی برای کشور و رشد اقتصادی. علم و فرهنگی یک جامعه که ما از پیشگانه‌های قدرتمند مذهبی برای فرزندان برخورداریم، پیامبر اعظم(ص) به زیادی جمعیت ما افتخار می‌کند (نهج الفصاحه ج ۱۱۴۴)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی که رحمت خداوند بر آن باد، جمعیت

صفحه ۸

سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۹

۳ شوال ۱۴۴۱ – شماره ۲۲۴۷۴

رزمنده‌های هشت سال دفاع مقدس را یادمان هست، آوینی را بگوید بیاید تا ببینند

همسایه بالایی ما کرونا دارد؛ وای، در راه رویش قفل کنید، دیگر پدر زندگی نمی‌خورد، در راهرو راه نرود مواظب باشید اگر دیدیدش حتماً بپش تذکر جدی بدید، اگر مرد برود به جهنم ولی ما رو آورده نکند؛ لظله‌ای فکر کن در این ساختمان زندگی می‌کنی و خدای نکرده کرونا می‌گیری، دنیا روی سرت خراب می‌شود، چه کسی است به تو کمک کند؟ صبر کن شاید پسر شجاع رسید.

بریم سری هم به آن طرف کره زمین بزنیم؛ همین محله یاقاآباد، محله دوستی‌ها در یک آپارتمان چهار طبقه این گفت‌وگو را ببینید و از انسانیت لذت ببرید بدون ترس؛ راستی همه اهالی ساختمان می‌دانند کفوری و فرزندش که بیماری قلبی بزرگ کرونا گرفتند، «خانم کفوری

تفاوت ایران با غرب در جوانی است که به جای حمله به همسایه‌اش برای جمع‌آوری آذوقه برای زمان قحطی، هر شب، سمسپاش ۲۰ کیلویی را روی دوشش، عکس حاج قاسم را روی سینه‌اش می‌گذارد و می‌رود تا گندزدایی کند، تفاوت ایران با غرب در روح حماسه و ایثار است.



فرزند ایرانی با خیال راحت سر روی بالشت مامان دوز خود بگذارد و با آرامش خود و اطمینانش به ششپان زنده که هستند و هوای من را دارند، همین نوع نگاه تمدنی را در جوان‌های خندالشعبی و حزب‌الله لبنان هم می‌بینیم و لذت می‌بریم، گفت‌مان تمدن اسلام محدود به ایران نمی‌شود و در لبنان، عراق، سوریه و… نوجوانان و جوانان تربیت یافته این بنای شوق باتربیت اسلامی در یک تمدن دینی، آماده ایثار برای برادران خود هستند تا بخواهد و خوب‌های شیرین تماشا کند بچه‌ای که خیالش راحت است از آسیب‌های زمانه، چه داش باشد چه کرونا و چه. چون هستند تربیت یافتگان تمدن دینی. اما بسوز ای دل برای خردسالی که در قلب تمدن غربی هنوز که هنوزه در رویای شیرین سانتا نوستتو تا بیاید و شکافت غرب نیناش دهد. … اما کو ایثار و جهاد برخواسته از تمدن اسلام در کوه‌ها دراز آلف؟

رشد جمعیت به زیر یک درصد سقوط کرد و متأسفانه ساختار جمعیتی به هم خورد (تعالی همین معنا را تعمیر می‌کند و اصرار بر حل معضل دارند. سیاست‌های کلی جمعیت را سال ۱۳۹۳س ام اردبیهشت ابلاغ می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی به تصویب می‌رساند و ابلاغ می‌کند، اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود. امروز مادران اگر چه در میدان‌های ایثارگری می‌درخشند و معرفی می‌شوند، اما در ساختارهای اجرایی و مدیریتی امتیاز نمی‌گیرند. پشتیبانی ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری کشور از مادر بودن

رشد جمعیت به زیر یک درصد سقوط کرد و متأسفانه ساختار جمعیتی به هم خورد (تعالی همین معنا را تعمیر می‌کند و اصرار بر حل معضل دارند. سیاست‌های کلی جمعیت را سال ۱۳۹۳س ام اردبیهشت ابلاغ می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی به تصویب می‌رساند و ابلاغ می‌کند، اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود. امروز مادران اگر چه در میدان‌های ایثارگری می‌درخشند و معرفی می‌شوند، اما در ساختارهای اجرایی و مدیریتی امتیاز نمی‌گیرند. پشتیبانی ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری کشور از مادر بودن

رشد جمعیت به زیر یک درصد سقوط کرد و متأسفانه ساختار جمعیتی به هم خورد (تعالی همین معنا را تعمیر می‌کند و اصرار بر حل معضل دارند. سیاست‌های کلی جمعیت را سال ۱۳۹۳س ام اردبیهشت ابلاغ می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی به تصویب می‌رساند و ابلاغ می‌کند، اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود. امروز مادران اگر چه در میدان‌های ایثارگری می‌درخشند و معرفی می‌شوند، اما در ساختارهای اجرایی و مدیریتی امتیاز نمی‌گیرند. پشتیبانی ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری کشور از مادر بودن

رشد جمعیت به زیر یک درصد سقوط کرد و متأسفانه ساختار جمعیتی به هم خورد (تعالی همین معنا را تعمیر می‌کند و اصرار بر حل معضل دارند. سیاست‌های کلی جمعیت را سال ۱۳۹۳س ام اردبیهشت ابلاغ می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی به تصویب می‌رساند و ابلاغ می‌کند، اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود. امروز مادران اگر چه در میدان‌های ایثارگری می‌درخشند و معرفی می‌شوند، اما در ساختارهای اجرایی و مدیریتی امتیاز نمی‌گیرند. پشتیبانی ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری کشور از مادر بودن

رشد جمعیت به زیر یک درصد سقوط کرد و متأسفانه ساختار جمعیتی به هم خورد (تعالی همین معنا را تعمیر می‌کند و اصرار بر حل معضل دارند. سیاست‌های کلی جمعیت را سال ۱۳۹۳س ام اردبیهشت ابلاغ می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی به تصویب می‌رساند و ابلاغ می‌کند، اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود. امروز مادران اگر چه در میدان‌های ایثارگری می‌درخشند و معرفی می‌شوند، اما در ساختارهای اجرایی و مدیریتی امتیاز نمی‌گیرند. پشتیبانی ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری کشور از مادر بودن

رشد جمعیت به زیر یک درصد سقوط کرد و متأسفانه ساختار جمعیتی به هم خورد (تعالی همین معنا را تعمیر می‌کند و اصرار بر حل معضل دارند. سیاست‌های کلی جمعیت را سال ۱۳۹۳س ام اردبیهشت ابلاغ می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی به تصویب می‌رساند و ابلاغ می‌کند، اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود. امروز مادران اگر چه در میدان‌های ایثارگری می‌درخشند و معرفی می‌شوند، اما در ساختارهای اجرایی و مدیریتی امتیاز نمی‌گیرند. پشتیبانی ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری کشور از مادر بودن